

رابطه میان درونگرایی - برونگرایی^۲ و مهارت خواندن

دکتر محمدضیاء حسینی

در طول دو دهه گذشته تحقیقات بسیاری در زمینه رابطه میان شخصیت و یادگیری زبان خارجه انجام گرفته است. تمرکز غالب این تحقیقات روی خصوصیات مشابه و یاروندهای یادگیری مشابه میان زبان آموزان بوده است. مطالعاتی که در زمینه دستور جهانی^۳، ترتیب یادگیری^۴، و یا گونه های غلطهایی^۵ که زبان آموزان مرتکب می شوند، نمونه های بارزی از این مقوله اند. روند دیگری که در تحقیقات اخیر بچشم می خورد، تعیین تفاوت میان زبان آموزان است. در اینگونه تحقیقات کوشش برآن است تا احتمال اثر متغیرهای احساسی، ذهنی و یا اجتماعی روی میزان یادگیری زبان آموزان بررسی شود (رجوع شود به سگالوویتز^۶ ۱۹۷۷).

تحقیق حاضر یکی از اینگونه بررسی ها است. در این تحقیق کوشش شده است تا اثر درونگرایی و برونگرایی روی مهارت خواندن زبان آموزان فارسی زبان که زبان انگلیسی را بعنوان زبان خارجه می آموزند مشخص گردد.

روان شناسان تعریفهای متفاوتی برای این دو مختصه شخصیتی بیان داشته اند لایرد^۷ (۱۹۲۵) درونگرا را شخصی می خواند که احساسات خود را بروز نمی دهد و برونگرا بعکس احساساتش را با رفتار خود به دیگران مینمایاند. بنظر برنرویتز^۸ (۱۹۳۵)، درونگرا شخصی رویایی است که در درون خود زندگی می کند، اما برونگرا بندرت نگرانی را به درون خود راه می دهد و از تلاطم های احساسی رنج نمی برد و بندرت خیالپردازی می کند. آزمونهایی که برای سنجش میزان درونگرایی و برونگرایی تهیه شده است خصوصیات از قبیل خودآگاهی^۹، خیالپردازی^{۱۰}، ایجاد ارتباط با دیگران، رفتار احساساتی^{۱۱}، و تاثیرپذیری^{۱۲} را می سنجد، و در این تحقیق اینگونه خصوصیات در نظر گرفته شد.

مشخصاتی که برای مهارت خواندن بیان شده است (اندرس^{۱۳} و ویلکینز^{۱۴} ۱۹۸۵، گریب^{۱۵} ۱۹۸۸، اسمیت^{۱۶} ۱۹۸۲) عبارتند از: (۱) یافتن رابطه میان واژه ها و جمله ها (۲) دستیابی به

مفهوم متن به منظور استنتاج (۳) اقدام به خواندن بر پایه انگیزشی که خود از هدف خواندن نشأت می‌گیرد (۴) درهم آمیختن تجربیات زندگی و آموخته‌ها با اطلاعات متن خواندن برای رسیدن بمفهوم (۵) به کار بستن ترفندهای ذهنی گوناگون برای رسیدن به معنی. می‌توان نتیجه گرفت که مهارت خواندن یک مسئله پیچیده است و با متغیرهای شخصیتی و ذهنی بسیاری در ارتباط است.

رابطه میان درونگرایی - برونگرایی و مهارت خواندن مشخص نیست. نمی‌توان گفت که این خصوصیات شخصیتی در اکتساب مهارت خواندن نقش یاری‌دهنده دارند یا بازدارنده. (رجوع شود به براون^{۱۷} ۱۹۸۱). نایمن^{۱۸}، فروخلیچ^{۱۹} و استرن^{۲۰} (۱۹۷۵) تاثیر عامل برونگرایی را روی یادگیری زبان قابل ملاحظه نیافتند، و صرفاً براساس مشاهدات خود ابراز می‌دارند که چون مهارت خواندن امری انفرادی است، احتمالاً درونگرایان باید در کسب این مهارت بر برونگرایان برتری داشته باشند. البته تحقیق نایلر^{۲۱} (۱۹۷۲) نشان داد که درونگرایان مهارت خواندن را از برونگرایان سریعتر کسب می‌کنند.

باتوجه به این تناقض‌ها لازم است بمنظور یاری دادن به معلمان زبان رابطه میان این متغیرها و کسب مهارت خواندن مشخص شود. نظر به اهمیت مهارت خواندن زبان خارجه بویژه در سطح دانشگاه‌های کشور، چنانچه معلمان زبان خارجه از این رابطه آگاهی صحیح داشته باشند، می‌توانند در برنامه «انگلیسی برای هدفهای ویژه» که دانشجویان را برای خواندن کتاب و نشریات علمی رشته خود به زبان انگلیسی آموزش می‌دهد، موفق‌تر باشند و دانشجویان با بهره‌گیری از آموزش صحیح می‌توانند از مزایای این مهارت در تحصیلات و زندگی آینده خود بنحو بهتری استفاده کنند. ناگفته نماند که سایر برنامه‌های زبان خارجه دانشگاهی و آموزش عمومی کشور نیز از نتایج اینگونه تحقیقات بهره‌مند می‌شوند.

فرضیه

میان رفتار درونگرا و برونگرا و میزان یادگیری و درک خواندن آنها در زبان خارجه تفاوت قابل ملاحظه وجود دارد.

روش کار:

۱- افراد: تعداد ۷۰ نفر از دانشجویان رشته زبان انگلیسی در دانشگاه سیستان و بلوچستان انتخاب شدند مدت زمانیکه اینان به یادگیری زبان در دانشگاه اشتغال داشتند بین ۱۸ تا ۲۴ ماه بود. سنشان از ۲۰ تا ۳۰ سال متغیر بود. دانشجویان به دو گروه کنترل و آزمایشی تقسیم شدند. هر گروه شامل ۳۵ نفر بود. در گروه آزمایشی ۲۰ نفر زن و ۱۵ نفر مرد بودند، و در گروه کنترل ۱۷

نفرزن و ۱۸ نفر مرد بودند ۹۰ درصد دانشجویان گروه آزمایشی ۲۰ تا ۲۴ سال داشتند و در گروه کنترل ۶۵ درصد بین ۲۰ تا ۲۴ و ۳۵ درصد بین ۲۵ تا ۳۰ سال داشتند.

۲- وسایل: وسایل به کار رفته شامل یک کتاب حاوی مطالب خواندنی به زبان انگلیسی، یک آزمون شخصیت و دو آزمون استاندارد برای ارزیابی درک خواندن بود. آزمون شخصیت Bernreuter Personality Inventory (1961)

دانشجویان را در دو قطب برونگرا و درونگرا قرار داد. کتاب خواندن

Reading Attack Skills for Adults

شامل ۲۷ متن خواندنی بود. مطالب خواندنی ویژه جوانان تهیه شده بگونه‌ای که با انواع سلیقه‌ها همساز است و از واژگان و الگوهای ساختاری پیچیده زبانی عاری است.

ابتدا آزمون چندگزینه‌ای Michigan Language Proficiency Test

بعنوان پیش آزمون به کار گرفته شد تا میزان مهارت دانشجویان در خواندن تعیین شود. در پایان نیز آزمون استاندارد Testing Reading Comprehension with Classroom به کوهن^{۲۲} (۱۰۳-۱۰۲:۱۹۸۰) برای هر دو گروه اجرا شد. هماهنگی پیش آزمون و آزمون پایانی برای گروه آزمایشی ۸۰ درصد و برای گروه کنترل ۸۸ درصد بود.

آنگاه گروه آزمایشی بمدت ۱۵ هفته هر هفته دو جلسه در کلاس درس مهارت خواندن شرکت جستند. نحوه کار در این کلاسها براساس پیشنهاد آکسفورد^{۲۳} (۳۱۸:۱۹۹۰) از اینقرار بود که دانشجویان می‌بایستی درباره انواع گوناگونی از موضوعهای مطالب خواندنی اظهارنظر می‌کردند، با یکدیگر به بحث می‌نشستند از یکدیگر پرسش می‌نمودند و در فعالیتهایی که باید از افراد باصطلاح اجتماعی سرزند شرکت می‌جستند. و همواره در جنب و جوش بودند و فرصت در خود فرورفتن نداشتند و هیچگاه ساکت و آرام نمی‌ماندند. یا باید ب فکر پرسش یا پاسخ و یا یافتن راه حلی برای یک مسئله می‌بودند. این گروه آزمایشی برای ایجاد چنین وضعیتی به هفت گروه پنج نفره تقسیم شدند. معلم نیز برای شرکت آنان در فعالیتهای یاد شده امتیازاتی قایل بود و آنها از این جریان آگاهی داشتند. پاره‌ای از فعالیتهای کلاسی آنها را خلاصه نویسی تشکیل می‌داد که بدینوسیله چکیده‌هایی از مطالب خواندنی را در کلاس مطرح می‌کردند. بعلاوه براساس ساختار هر متن خواندن مطالبی را نیز از خود می‌نوشتند و هرگاه فرصت می‌یافتند به انگلیسی سخن می‌گفتند و ابراز نظر می‌کردند. گرچه مرتکب اشتباهات زبانی می‌شدند، اما اجازه داشتند بهر نحو ممکن با همکلاسها و یا با معلم وارد گفتگو شوند. در پایان هفته پانزدهم آزمون پایانی درک مطلب به این گروه دانشجویان داده شد. مطابقه نتیجه این آزمون با نتیجه پیش آزمون مبنای بررسی فرضیه مذکور فوق گردید.

محاسبات آماری نشان داد که رفتار برونگرایی با میزان درک خواندن رابطه مستقیم دارد

($r = -0/507$) به سخن دیگر اینکه هر قدر میزان رفتار برونگرایی بیشتر باشد دانشجو در کسب مهارت خواندن قویتر است. این نتیجه با عقاید بسیاری از متخصصان در زمینه آموزش زبان خارجه موافق است که می‌گویند زبان آموزی که دارای شخصیت اجتماعی است و علاقمند است که با همکلاسی‌های خود گفتگو کند و آنچه در دل دارد بر زبان می‌راند، در یادگیری زبان خارجه بر زبان آموزی که در خود فرو می‌رود و گوشه‌گیر و خجالتی است برتری دارد (رجوع شود به چیستن^{۲۴} (۱۹۷۵)، هامایان^{۲۵} (۱۹۷۷)، براون^{۲۶} (۱۹۸۶)، کوک^{۲۷} (۱۹۹۱)).

محاسبات همچنین نشان داد که درون‌گرایی با درک خواندن چندان مناسبتی ندارد. ($r = -0/344$) یعنی رابطه این دو ضعیف و غیر قابل ملاحظه است.

نتیجه قابل توجه دیگری که محاسبات نشان داد این بود که روش تدریس معلم اگر در جهت سوق دادن دانشجویان به سوی فعالیتهای گروهی و بحث و تبادل نظر و پرسش و پاسخ و اظهار نظر و خلاصه همه خصوصیات که مختص برون‌گرایان است باشد، نتیجه مطلوبی به بار می‌آید. محاسبات نشان داد که تفاوت نمرات پیش‌آزمون و آزمون پایانی برای درون‌گرایان قابل ملاحظه نبود، اما این تفاوت برای برون‌گرایان تا حد $0/01$ قابل ملاحظه بود. پیامی که این نتیجه برای معلمان زبان دارد در خور تعمق است. به سخن دیگر اینکه معلم باید روشهایی را به کار گیرد که زبان‌آموزان را به فعالیت وادارد.

دو نکته دیگر قابل ذکر است. گرچه باید در مقیاس بزرگتر تحقیق شود. یکی اینکه جنس دانشجویان عامل موثری در میزان رفتار این دو گونه رفتار است. هر قدر که سن بالاتر می‌رود میزان رفتار برون‌گرایی کاهش می‌یابد. شاید بتوان گفت که یکی از عوامل بازدارنده در یادگیری زبان خارجه برای سنهای بالاتر این عامل باشد.

پانوشت ها:

- 1- Introversion
- 2- Extroversion
- 3- Universal Grammar
- 4- Acquisitional Sequence
- 5- Error Types
- 6- Segalowitz
- 7- Laird
- 8- Bernreuter
- 9- Self - consciousness
- 10- Day dreaming
- 11- Emotionality
- 12- Impressiveness
- 13- Anderson
- 14- Wilkinson
- 15- Grabe
- 16- Smith
- 17- Brown
- 18- Naiman
- 19- Frohlich
- 20- Stern
- 21- Naylor
- 22- Cohen
- 23- Oxford
- 24- Chastain
- 25- Hamayan
- 26- Brown
- 27- Cook